

گفتگو با حسین بهروزی نیا ؛  
نوازنده صاحب سبک بریت

## بریت هم مانند تار و سنتور قابلیت اجرای دستگاه‌های موسیقی ایرانی را دارد

حسین بهروزی نیا متولد ۲۱ خرداد ماه ۱۳۴۱ در تهران است. از ۹ سالگی وارد هنرستان موسیقی ایران شد و زیر نظر استاد رضا وهدانی نواختن تار را آغاز نمود و نزد منصور نریمان نواختن عود را فرا گرفت و ردیف موسیقی ایران را نزد محمد رضا لطفی آموخت. در طی این سال ها با تعدادی از خوانندگان برجسته از جمله محمد رضا شجریان، شهرام ناظری، علیرضا افتخاری، سالار عقیلی، همایون شجریان، پریسا، سیما بینا همکاری نموده و آثاری به یاد ماندنی به جای گذاشته است..

بهروزی نیا آثاری را برای ساز بریت به صورت آلبوم موسیقی منتشر نموده که عبارتند از: بریت، کوهستان، یادستان، وجد، سه نوازی دستان، از سنگ تا الماس، نغمه ای زیر خاکستر. و نیز دو کتاب به نام های «گلچینی از ملودی های بومی ایران» و «ده قطعه برای بریت» همچنین امتیاز نوازندگی، آهنگسازی و تکنوازی را در آلبوم های بامداد، بوی نوروز، افق مهر، سرو سیمین، سفر به دیگر سو، ساز نو آواز نو، حنایی، شب سکوت کویر، شوریده، گل بهشت، قیژک کولی، خورشید آرزو، شهر آشنایی، سعدی نامه، به نام گل سرخ، نغمه زیر خاکستر و... بر عهده داشته است.



**احمد آدم: آقای بهروزی نیا اجازه بدهید که برای شروع، به گذشته برگردیم، به روزهایی که دغدغه موسیقی دغدغه زندگی شما شد. بفرمائید آموزش موسیقی را چگونه آغاز کردید.**

بهروزی نیا: من از سن کودکی به موسیقی روی آوردم. فکر می کنم ۸ یا ۹ سال داشتم، از کلاس چهارم دبستان به هنرستان موسیقی رفتم و در آن جا ابتدا با ساز تار آشنا شدم و هفت سال نواختن این ساز را نزد استاد رضا وهدانی آموزش دیدم و بعد ساز دومم را، ساز عود انتخاب کردم که این ساز را هم نزد آقای نریمان فرا گرفتم.

**– شما کار حرفه ای را با گروه مولانا شروع کردید. از چه زمانی و چگونه به این گروه وارد شدید.**

بهروزی نیا: من ۱۷ سال داشتم که از طریق آزمونی که در آن زمان از نوازندگان می گرفتند، وارد مرکز حفظ و اشاعه موسیقی شدم. در این مرکز، گروه های مختلفی مشغول به کار بودند مثل گروه عارف، شیدا، فارابی، و نیز گروه مولانا؛ که من کارم را با گروه مولانا شروع کردم که آقای جلیل عندیبی، سادروان منصور سینکی، بهزاد فروهری و بهنام وادانی و چند تن از دیگر هنرمندان با آن همکاری داشتند. من با اینکه سن کمی داشتم، توانستم با این گروه مشغول به کار شوم.

**– بعد از گروه مولانا گویا به گروه دستان رفتید.**

بهروزی نیا: البته من قبل از گروه دستان با گروه های دیگری هم کار کرده بودم مثل گروه عارف و بعد گروه درویش و بطور متفرقه با گروه های دیگر. در واقع از سال ۹۲ بود که عضو اصلی گروه دستان شدم که در آن زمان گروه دستان ترکیب دیگری داشت؛ و این همکاری تا این زمان هم ادامه داشته است ولی به شکل های مختلف و با نوازندگان دیگری.



**در آن زمان گروه دستان شامل چه نوازندگانی می شد؟**

بهروزی نیا: در آن زمان که من توری را با این گروه شروع کردم، گروه تشکیل می شد از حمید متبسم، کیهان کلهر، محمدعلی کیانی نژاد، مرتضی عیان که از برادران کامکار (بیژن و پشنگ) نیز دعوت به همکاری شد و به یک سری اجراهایی در خارج از ایران پرداختیم. البته بعداً نوازندگان دیگری نیز به آن پیوستند.

**– یادش بخیر اولین بار که گروه دستان با همین ترکیب نوازندگان که اشاره کردید، به آمریکا آمدند، من افتخار این را داشتم که میزبان آنها در هوستون باشم. بفرمائید اکنون چه کسانی با گروه دستان هستند.**

بهروزی نیا: در طی این مدت تقریباً ۲۰ ساله، افرادی به گروه دستان اضافه شدند و افرادی رفتند، ولی شکل فعلی این گروه متشکل از ۵ نفر است: حمید متبسم تار می نوازد، سعید فرج پوری نوازنده کمانچه است، من نوازنده بریت هستم و پژمان حدادی سازهای کوبه ای و بویژه تنبک را اجرا می کند، بهنام سامانی هم سازهای کوبه ای بیشتر دف و دمام و کوزه می نوازد.

**– آقای بهروزی نیا گویا استاد قنبری مهر اولین استادی هستند که بریت ایرانی را بر اساس شواهد تصویری که از گذشته باقی مانده بازسازی کرده است و شما هم اولین نوازنده ای هستید که بریت ساخت ایشان را می نوازید. بفرمائید این بریت چه تفاوت و ویژگی نسبت به عود دارد.**

بهروزی نیا: صدای بریت و عود تقریباً یکی است. تفاوتی از نظر نوع صدا ندارند ولی همانطور که عودها با هم متفاوت هستند، لهجه های مختلف دارند، زنگ صدایی مختلف دارند، مثلاً عود عراقی ممکنه با عود سوری و همینطور با عود ترکی متفاوت باشد، صدای بریت هم متفاوت است. به نظر من بریت بخاطر کوچک بودن کاسه اش از نظر نوع فرکانس هم به سازهای ایرانی نزدیکتر است و هم صدایش شفافیت بیشتری دارد و امکانات بریت به دلیل داشتن دسته بلندتر از عود، بیشتر است.

**– چطور شد که دوباره بریت احیا شد و اینک در موسیقی ایرانی جای خاصی یافته است.**

بهروزی نیا: سال هاست که روی این ساز کار می شود، ولی این ساز را هنوز هم بعضی ها به نام عود می شناسند و در واقع مفهوم اسمی آن هنوز جا نیافتاده است. افرادی هستند که عقیده دارند که بریت همان



حرفه ای درک و احساسش خیلی سخت باشد ولی کسانی که در موسیقی دستی دارند به راحتی می توانند تشخیص بدهند که یک ملودی آیا متعلق به منطقه جغرافیایی ایران هست یا خارج از این محدوده. شما وقتی که یک نوع موسیقی را می شنوید که نوازنده هندی آن را اجرا کرده، کاملاً تشخیص می دهید که این ملودی، هندی است نه آفریقایی یا عربی. ما در منطقه جغرافیایی ایران یک موسیقی خاصی داریم. درست است که موسیقی مرز نمی شناسد و در واقع متعلق به تمام انسانهاست ولی هر قوم و ملیتی برای خودش زبان، فرهنگ، رسم و رسومات و موسیقی و هنر خاص خودش را دارد. عود یا بریت در خیلی از مناطق دنیا دارد اجرا می شود، ولی اگر دقت کنیم، می بینیم سبک هاشان با هم متفاوت است. بطور مثال عود نوازی در موسیقی عرب منطقه مصر متفاوت با منطقه عراق است. بنابراین موردی که من اصرار دارم که نوازندگان انجام بدهند این است که نغماتی که اجرا می کنیم براساس ردیف و دستگاه های موسیقی ایرانی باشد و حالت مضراب های که استفاده می کنیم براساس موسیقی خودمان باشد. به نظر من، بریت هم مانند تار و سنتور قابلیت اجرای دستگاه های موسیقی ایرانی را دارد.

**احمد آدم: در حال حاضر بریت نوازی در ایران بر اساس چه شیوه ای است.**

بقیه در صفحه ۵۹



توانسته روی این ساز کار بکند، حتی یک قدم کوچک بردارد، در معرفی و پیشرفت آن سهم دارد. در عین حال که آقای شهیدی پیشکسوت من هستند، می شود گفت که در یک برهه از زمان، ایشان بودند که با عودنوازی خود، مردم را با این ساز آشنا کردند و قطعاتی را هم که ایشان اجرا کردند، قطعاتی بود که خیلی به دل می نشست و مردم لذت می بردند.

**(احمد آدم: بویژه در برنامه گل های ایشان)**

دقیقاً. ولی خوب اگر بخواهیم در واقع خیلی نکته بین باشیم، ایشان بیشتر از نظر خوانندگی مطرح بودند که البته از همین راه بود که به شناسایی این ساز کمک کردند.

**– شما گفته اید که بریت را به شیوه ایرانی باید نواخت نه عربی. لطفاً توضیح دهید که شیوه ایرانی چه ویژگی های دارد که از سبک عربی آن را متمایز می کند.**

بهر روزی نیا: شاید این یک موردی باشد که برای یک خواننده و یا شنونده غیر

عود است و هیچ اختلافی با هم ندارند، و همین عودی را که در حال حاضر در ایران استفاده می کنند و مانند عود عرب ها کاسه بزرگ دارد و یک نوع ساخت دارد، بریت می گویند. یعنی فقط نامش را ایرانی کرده اند. من هم زمانی در واقع فکر می کردم عود همان بریت ایران بوده ولی اسمش را عوض کردند. در صورتی که بریت از سازهای قدیمی ایران است و متأسفانه برای مدت طولانی در ایران به فراموشی سپرده شده بود، و زمانی هم به موسیقی ما بر می گردد، بخاطر اینکه تکنیک نوازنده ها خیلی پایین بوده و نمی توانستند آنچه را که نوازندگان دیگر سازها مثل سنتور و تار اجرا می کردند، روی این ساز اجرا کنند، جایگاه ویژه ای را برایش در نظر نمی گرفتند و در هنرستان موسیقی هم این ساز، به عنوان ساز دوم تدریس می شد. تقریباً در طی سی سال گذشته است که فعالیت روی این ساز بیشتر انجام شده، توسط آقای نریمان، آقای فیروزی و خود من و دیگر دوستان. در این زمینه واقعاً زحمت کشیده شده و می شود و بخاطر همین، می بینیم که این ساز رفته رفته دارد جایگاه خودش را در موسیقی ایران پیدا می کند.

**– شما از استاد نریمان و کسان دیگر نام بردید. آیا آقای عبدالوهاب شهیدی هم نقشی در پیشرفت این ساز داشته اند؟**

بهر روزی نیا: حتماً. من معتقدم هر کسی که



بهروزی نیا: خوشبختانه می بینم که نسبت به بیست سال، سی سال قبل بقیه جوان ها خیلی به نواختن این ساز رو آورده اند و خیلی هم خوب کار می کنند. ولی هیچ کدام تاکنون شیوه خاصی نداشته اند. تنها سبک هایی که در زمینه بریت نوازی وجود دارد، دو سبک است. یکی سبک آقای نریمان است که من خودم هم کارم را در این سبک شروع کردم و سبک دیگر هم سبکی است که خود من در واقع بیشتر روی آن کار کردم و خوب هنرجویانی هم دارم که از این سبک پیروی می کنند. من معتقدم که برای پیشرفت این ساز، نیاز داریم که سبک های مختلف به وجود بیاید و من منتظر هستم که شاگردان من و یا شاگردان آقای نریمان و افراد دیگری که روی این ساز کار می کنند، بتوانند واقعاً صاحب سبک بشوند و دریچه تازه ای را باز کنند.

– شما در کانادا زندگی می کنید. چگونه ارتباط موسیقایی خودتان را با گروه های مختلف مثل گروه دستان و گروه راز و نیاز و غیره حفظ می کنید.

بهروزی نیا: اگر گروه دستان منظور باشد باید بگویم که هر کدام از ما در نقاط مختلف دنیا زندگی می کنیم. من قبلاً در ایران بودم و در همان زمان آقای متبسم و بهنام سامانی در آلمان زندگی می کردند. یژمان حدادی در لوس آنجلس و آقای فرج پوری در ایران بودند. من ۱۲ سال است که به کانادا مهاجرت کرده ام. اخیراً هم آقای فرج پوری به کانادا مهاجرت کرده. برای ما فرقی نمی کند که در کجای دنیا زندگی بکنیم، مهم این است که وقتی دور هم جمع می شویم، تفکراتمان، تبحری که هر کدام روی ساز خودمان داریم، در کنار هم بگذاریم و اثری را خلق بکنیم، که بتوانیم با همدیگر این هنر را پیش ببریم. ما چنانچه کاری را بخواهیم برای اولین بار اجرا بکنیم و جدید باشد، معمولاً در آن شهری که قرار است اولین کنسرت



برگزار بشود، یک هفته زودتر دور هم جمع می شویم و روی قطعات جدید تمرین می کنیم. اگر قطعات جدید نباشند، کافی است که یکی دو روز قبل دور هم جمع بشویم که فقط بتوانیم یه چند باری با هم تمرین بکنیم.

– در کانادا در زمینه موسیقی چه فعالیتی دارید.

بهروزی نیا: طی این سال ها بیشتر با گروه دستان در تور کنسرت بوده ام؛ حداقل سالی یکی دو بار به اروپا، به ایران یا به آمریکای شمالی سفر کرده ایم. در کنار این کنسرت ها، در فستیوال های مختلف مثل فستیوال موسیقی در برزیل و مراکش شرکت داشته ایم. با گروه های دیگری هم بوده ام مثل همین دوره که با گروه راز و نیاز و آقای سالار عقیلی هستم و برنامه هایی را هماهنگ کردم که این گروه بتواند از ایران بیایند و موسیقی و کار خودشان را معرفی کنند.

من در عین حال یک موسسه هنری را در ونکوور کانادا تأسیس کردم به نام مرکز هنری نوا که این مرکز بیشتر تلاش کرده که بتواند گروه های موسیقی و افرادی که دست اندر کار هنر هستند به کانادا دعوت کند.

احمد آدم: شما هنر جوهای بسیاری داشتید می توانید از بعضی از آنها نام ببرید، از کسانی که الان فعال هستند.

بهروزی نیا: تا آنجا که حضور ذهن داشته باشم شاید بتوانم افرادی را اسم ببرم، مثل آقای مجید ناظم پور، آقای سعید نایب محمدی که ایشان واقعاً خیلی کارشان قوی است و امیدوارم که بتواند در آینده سبک جدیدی را پایه گذاری بکند. آقای قائم مقامی، که در سیاتل زندگی می کنند (احمد آدم: ایشان از دوستان خیلی خوب من هستند و در خیلی از زمینه های مربوط به نواختن بریت به من کمک کردند.) ایشان هم خیلی علاقه مند هستند و در زمینه معرفی این ساز پشتکار دارند. خانم ها نوشین پاسدار، رخساره رستمی که در ایران زندگی می کنند و افراد دیگری که من الان حضور ذهن ندارم.

– شنیدم که شما سازهایی را به موزه ها اهدا کردید. چه سازهای بودند و هدفشان از این کار چه بوده است.

بهروزی نیا: من یکی از سازهایی را که در واقع ساز استاد قنبری مهر بود و اولین سازی بود که ایشان به عنوان بریت قدیم ایران طراحی و ساخته بودند و من با این ساز برای اولین بار روی صحنه رفتم، به موزه Horniman در لندن اهدا کردم تا آیندگان نمونه ای از عود ایرانی را که ما به آن بریت می گوئیم، ببینند و با آن آشنا شوند. سه تا از سازهایی دیگرم را، که یکی عود قدیمی بسیار نفیس نریمان بود به همراه دو بریت از ساخته های آقای قنبری مهر به موزه موسیقی ایران اهدا کرد.

– شما در آلبوم های متفاوت بسیاری که منتشر شده با گروه های مختلف، به عنوان نوازنده شرکت داشته اید، تکنوازی کرده اید و یا آهنگسازی آنها را انجام داده اید، اما به طور خاص چند اثر از خودتان ضبط کرده اید؟

کرده ایم و مردم ایران به خارج از ایران مهاجرت می کنند، یواش یواش داریم یاد می گیریم که چگونه باید موسیقی مان را ارائه بکنیم، چگونه باید برنامه هایمان را هماهنگ کنیم. ولی خوب مسیری طولانی در راه است و باید ما دست اندرکاران موسیقی بنشینیم و طرحی برای این کار بریزیم.

— آقای بهروزی نیا، خیلی ممنون که وقت خود را در اختیار خوانندگان مجله عاشقانه قرار دادید، به عنوان حسن ختام، چه سخنی برای دوستانان برت بخصوص جوانان دارید.

بهروزی نیا: من با اینکه سال هاست در ایران نیستم ولی خیلی از علاقه مندان با من در تماس بوده اند و حتی گاه خواسته اند که کلاس هایم را دوباره در ایران برگزار کنم. به هر حال من هر از گاهی که به ایران می روم کلاس هایی را برای دوستانان موسیقی و ساز برت برگزار می کنم. کتاب هایی هم برای این ساز موجود است مثل دو کتابی که من منتشر کردم و یکی دو کتابی که آقای نریمان به چاپ رساندند. یک کتاب آموزشی هم در دست چاپ دارم که فکر می کنم تا چند وقت دیگر انشاالله منتشر بشود. که همه اینها می تواند منبعی برای آنها باشد. به هر حال منتظر هستیم که جوان ها بیایند و برای سبک های جدید راه گشا باشند و آنها هم بتوانند کتاب هایی را منتشر بکنند.

آلبوم کوهستان اجرا شده بود و به صورت نت تکثیر و منتشر شد. کتاب دیگر که با CD است، شامل قطعاتی است که من در آلبوم های مختلف و آثار مختلف اجرا کرده بودم و مناسب دیدم که به صورت نت در دسترس علاقه مندان قرار بگیرد و آن را با نام «ده قطعه برای برت» منتشر کردم.

— به نظر شما برای اینکه کنسرت های موسیقی اصیل در خارج از کشور طرفدار بیشتری پیدا کند، چه باید کرد.

بهروزی نیا: در واقع راه سختی در پیش است. یکی از مشکلات ما این است که در ایران یک نوازنده موسیقی ایرانی به گونه ای رشد می یابد که وقتی که به درجه خیلی بالا و حرفه ای می رسد و به روی صحنه می رود، ارتباطی با مردمی که به آن جا می آیند، برقرار نمی کند. نوازنده روی صحنه می آید و کارش را اجرا می کند و بدون هیچ صحبتی صحنه را ترک می کند در صورتی که می بینید موزیسین ها و موسیقی دانان غیر ایرانی، غربی، و حتی هندی ها که در شرق زندگی می کنند، خیلی برخورد نزدیکی با مردم خودشان و شنوندگانشان دارند. ما متأسفانه در این مورد کمی ضعف داریم. در عین حال نوع موسیقی که ارائه می کنیم هنوز می خواهیم آن را به سبک صد سال پیش روی صحنه ببریم. با در نظر گرفتن اینکه ما سی سالی است که مهاجرت



بهروزی نیا: از آثاری که بیشتر روی ساز برت و یا عود تکیه شده، آلبوم های «برت»، «کوهستان»، «یادستان»، «وجد»، (آلبوم وجد بنام Midnight Sun در آمریکا منتشر شده)، «سه نوازی دستان» و «از سنگ تا الماس»، هستند. آلبوم موسیقی «از سنگ تا الماس» نیز به نام From Stone to Diamond منتشر شده و کار دیگرم به نام سه نوازی دستان که ابتدا در ایران عرضه شد، در خارج از ایران توسط یک شرکت انگلیسی منتشر و پخش شده است. اخیراً هم یک کار دیگری بنام «نغمه ای زیر خاکستر» که توسط گروه دستان اجرا شده و آهنگ سازی آن با من بوده، در ایران منتشر شده است.

— شما در ضمن کتاب هم برای علاقه مندان برت منتشر کرده اید.

بهروزی نیا: بله. یکی قطعاتی است که در

تکنولوژی ماهواره ای بدون دیش با کیفیت HD

دریافت بیش از ۲۰۰ کانال ایرانی



و کانال های خبری CNN و FOX news و ...

تمام فیلم های جدید فارسی و کلیه سریال ها

و تماشای YOUTUBE بصورت HD

بهمن 7979 - 879 (281)

